



### تیتراژهای امروز

به دستور آیت‌الله آملی لاریجانی نام و تصویر  
قضات متخلف در رسانه‌ها منتشر می‌شود

## اقدام انقلابی دستگاه قضا

صفحه ۲

المیادین با انتشار اسنادی از نقشه آمریکا  
فرانسه، انگلیس، عربستان و اردن خیر داد

## افشای طرح گروه وانشگتن برای تجزیه سوریه

صفحه ۱۵

فیلم لحظه کشته شدن جوان ایرانی  
توسط پلیس آمریکا منتشر شد

## قتل ناجوانمردانه قیصر

صفحه ۲

نگاهی به سیاست‌های رسانه ملی در تولید  
ویژه‌نامه‌های سینمایی جشنواره فیلم فجر

## تلویزیون و فرزندان سینمایی اش

صفحه ۱۳

## ۴۱ کشته در آتش سوزی بیمارستانی در کره

صفحه ۱۵

### نگاه

## نژادپرستی نهادینه آمریکایی در خدمت ترامپ

محمدابراهیم کریمی

«یکی هیلی» نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد هنوز حاضر نشده است بابت اظهارات نژادپرستانه دونالد ترامپ و لفاظی وقیحانه وی علیه کشورهای آفریقایی از نمایندگان این کشورها عذرخواهی کند. اخیرا نمایندگان ۵۴ کشور آفریقایی در سازمان ملل متحد بار دیگر از مقامات آمریکایی خواستند بابت اظهارات ترامپ از مردم این قاره عذرخواهی کنند. با این حال رئیس جمهور آمریکا و متعاقبا دیگر اعضای دولت وی اعلام کرده‌اند قصد چنین کاری را ندارند! براسستی اظهارات نژادپرستانه ترامپ در قبال کشورهای آفریقایی چگونه قابل توجه است؟ آیا می‌توان مدعی شد این اظهارات به صورت تصادفی و به عنوان یک «گاف گفتاری» از زبان رئیس جمهور جنجالی آمریکا بیان شده است؟ بدهی است پاسخ این سوال مثبت‌نیست!

اظهارات اخیر ترامپ از ۲ جنبه سیاسی و اجتماعی قابل تحلیل است. در جنبه اجتماعی موضوع، اظهارات وی نشان‌دهنده دال بر «نژادپرستی نهادینه‌شده» در ایالات متحده آمریکاست. به عبارت بهتر، سیاستمدارانی که در آمریکا بر سر کار می‌آیند، در یک «ایلمه دو طرفه علی - معلولی» نسبت به نژادپرستی نهادینه‌شده در آمریکا ایفای نقش می‌کنند. آنها از یک‌سو برخاسته از همین نژادپرستی نهفته در مناسبات فرهنگی (بخوانید ضدفرهنگی) خود بوده و از سوی دیگر، خود نیز مولد و مقوم این ضدفرهنگ هستند. نباید فراموش کرد وجود سیاستمداران آمریکایی نقش بسزایی در حلول نژادپرستی در کالبد اجتماعی ایالات متحده داشته است. جولای سال ۲۰۱۵، شاهد تیراندازی یک فرد سفیدپوست به مراسم دعای سیاهپوستان در کلیسای در شهر چارلستون آمریکا بودیم. در این حادثه چندین سیاهپوست کشته و زخمی شدند. باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا در آن زمان اظهار داشت: «موضوع این نیست که استفاده از لفظ «کاکاسیاه» در فضای عمومی بی‌ادبانه است. این معیاری برای اینکه نژادپرستی وجود ندارد، نیست. همچنین مساله مربوط به تبعیض آشکار نیز نیست. مسائلی که ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال قبل اتفاق افتاده‌اند یک‌شبه به طور کامل از جوامع پاک نمی‌شوند. ادامه در صفحه ۵

سازمان برنامه و بودجه در واکنش به انتشار تخلفات دولت در گزارش تفریغ بودجه ۹۵:

# دیوان محاسبات تشویش اذهان کرده است!



رفتارهایی کاملا غافلگیرانه، خارج از چارچوب و جاهطلبانه را بروز می‌دهد و رئیس‌جمهور آمریکا از پیمان ترانس پاسیفیک خارج و از اسرائیلی به پایتختی قدس شریف می‌گوید، واقعا سخن از امنیت شبکهای در منطقه‌ای که قرار است قوی شود منطقی است؟! در عصری که نظم جهانی بر پایه بی‌نظمی نوین در حال شکل‌گیری است، دنبال کردن و اصرار بر الگوهای نظم لیبرال نتیجه‌ای جز وابستگی و کنترل رفتار کشورمان نخواهد داشت.

البته جمهوری اسلامی ایران همواره منادی ایجاد فهم و درک مشترک منطقه‌ای از ضرورت و اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای بوده و خواهان منطقه‌ای توانمند بر اساس اصول ملل متحد و با یکدیگر رفتار و کنش کنند؟! آقای ظریف بهتر است به این سوالات واضح و مهم نیز پاسخ دهند که سازوکار و مکانیزم تعیین سهمی منصفانه و رضایتبخش از قدرت منطقه و اقتان دولت‌ها و حاکمان منطقه‌ای در پذیرش این سهم در پارادایم ایشان چگونه حل‌وفصل می‌شود؟! آیا این مکانیزم‌ها نیز مشابه مکانیزم‌های پیش‌بینی شده در برجام برای احقاق حقوق ملت ایران در پاسخ به تحریم‌ها و کارشکنی‌های آمریکاست؟! واقعا در دیدگاه جناب ظریف و مشاوران رئیس‌جمهور این امر قابل تحقق است که روزی برخی کشورهای عربی منطقه کاملا مستقل و با نفی هژمونی آمریکا و غرب تصمیم بگیرند؟! مدافعان پارادایم‌های منطقه قوی و امنیت شبکه‌ای به این پرسش نیز پاسخ دهند که گیریم توافق شبکه‌ای منظر شما نیز شکل گرفت اما اگر روزی بازیگران قدرتمند بیرونی و بانفوذ فرامنطقه که به قبول خدندان ناظران و ضمانت‌های ثبات نظم این شبکه هستند، حول ایجاد محدودیت‌های منطقه‌ای خارج از چارچوب علیه ایران به اجماع برسند، تکلیف چه خواهد بود؟! در دورانی که اتحادیه اروپایی با همه مشابهت‌های فرهنگی و سیاسی اعضای آن متزلزل است و یکی از ۳ عضو اصلی آن انگلیس، از اتحادیه خارج می‌شود، اختلاف میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس هر روز عمیق تر می‌شود و عربستان سعودی به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای مورد فرض در الگوی امنیت شبکه‌ای،

## «امنیت شبکه‌ای» اسم رمز چیست؟

مناشالله ذرانی

در واقع ایجاد شبکه امنیتی، مبتنی بر فرض‌هایی سست است. اگر فرآیند به وجود آمدن شبکه امنیتی اساسا رخ دهد، این فرآیند مستلزم گذشت زمان زیادی است. همچنین باید شرایط مناسب و لازم برای ایجاد چنین شبکه‌های امنیتی مهیا باشد. باید توجه داشت در غرب شکل‌گیری چنین جوامعی از رهگذر افزایش مبادلات سرمایه‌داری شکل گرفت. در واقع افزایش تعاملات و ارتباطات به بسیاری از روابط و تعاملات که جنبه غیرفردی و ابزاری داشت، شکل داد.

بسر این اسلکس برای تشکیل مکانیزم امنیت شبکه‌ای در سطح منطقه، ۳ شرط لازم است؛ نخست ارزش‌های سیاسی اصلی و اولیه کشورهای تشکیل‌دهنده این شبکه، از جمله ارزش‌های ایدئولوژیک است که باید با یکدیگر سازگاری داشته باشد. البته باید توجه داشت سازگاری ایدئولوژیک شاید شرط لازم برای شکل‌گیری شبکه امنیتی منطقه‌ای باشد اما آشکارا، شرط کافی نیست. به عنوان مثال یک حکومت مردم‌سالار و جمهوری با یک دیکتاتوری خیلی سخت می‌تواند سازگاری داشته باشند. دقت شود در اینجا منظور از سازگاری عینیت و تشابه نیست، بلکه مراتبی از همگرایی و درک مشترک را مدنظر دارد.

دومین شرط لازم، ایجاد شبکه‌های ارتباطی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. به گونه‌ای که حکومت‌ها و سایر بخش‌های سیاسی فعال این شبکه بتوانند به پیام‌ها، نیازها و کنش‌های یکدیگر به سرعت و به طور مناسب و مؤثر و بدون توسل به خشونت پاسخ دهند. لازمه تحقق این امر ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم در همه سطوح اعم از حکومتی و غیرحکومتی بین مردم و مقامات کشورهای این شبکه امنیتی است.

شرط سوم تا اندازه زیادی از طریق تعامل پویای ۲ شرط و عامل نخست به دست می‌آید. در اینجا استدلال می‌شود که «پیش‌بینی‌پذیری» متقابل رفتار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر یک از اعضای این شبکه لازم و ضروری است. اعضای تاملی سساده و گذرا بر اتفاقات اخیر منطقه، مقطعی ناکارآمد و تنش‌آفرین است. در این چارچوب کشورهای منطقه‌ای اعم از کوچک و بزرگ، ضمن نفی هر گونه هژمونی توسط هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، امنیت شبکه‌ای در سطح منطقه را مبنای همکاری برای نیل به ترتیبات پایدار برای حفظ امنیت منطقه قرار می‌دهند.

از منظر ادبیات روابط بین‌الملل می‌توان گفت پارادایم‌های «منطقه قوی» و «امنیت شبکه‌ای» نسخه‌ای به روز شده و اولیه از نظریات «کرال دوپچ» پژوهشگر علوم سیاسی و علوم اجتماعی است. تقریبا نیم قرن پیش دوپچ ۲ نوع جوامع امنیتی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. یکی جوامع امنیتی ادغام شده و دیگری جوامع امنیتی «تکثرگرا». در جوامع و شبکه‌های امنیتی تکثرگرا کشورها با حاکمیت‌های مختلف، استقلال و خودمختاری خود را حفظ می‌کنند. این کشورها به گونه‌ای با هم رفتار می‌کنند که از توسل به جنگ به عنوان ابزاری برای حل‌وفصل منازعات جلوگیری می‌کنند ولی استقلال و خودمختاری آنها حفظ می‌شود.

دوپچ در مطالعات و تحقیقات خود تصریح می‌کند جوامع امنیتی تکثرگرا در شرایط خاصی ظهور و بروز می‌کنند. برای نمونه شاهد ظهور چنین شبکه امنیتی بین آمریکا و کانادا بوده‌ایم اما درباره شبکه امنیتی ذکر شده بین آمریکا و کانادا باید توجه داشت که شرایط خاصی باعث به وجود آمدن چنین جامعه‌ای شده بود. برای نمونه جدا بودن از بقیه جهان، نزدیکی زیاد فرهنگی و تعاملات و مبادلات زیاد بین ۲ کشور از جمله این شرایط به شمار می‌رفت.

حال آنکه در منطقه غرب آسیا هویت‌های گوناگونی وجود دارد؛ در یک سو هویت‌های فراملی و در سوی دیگر هویت‌های قومی و فرملی قرار دارد. در میان این طیف هویتی به نام هویت ملی نیز در حال تکوین است. رقابت بین این هویت‌ها و تاکید کشورها بر هر یک از آنها مجموعه‌های پیچیده از همکاری، تقابل و تضاد را به وجود آورده است. بر این اساس تحقق شبکه امنیتی در این منطقه بسیار سخت و دشوار و عملا غیر قابل تحقق است.

## یادداشت امروز

چندی پیش در دومین کنفرانس امنیتی تهران در دی‌ماه، وزیر امور خارجه دولت روحانی از ۲ پارادایم جدید برای منطقه غرب آسیا رونمایی کرد که البته این دو پارادایم توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری نیز دنبال و پیگیری می‌شود. این دو پارادایم یا الگوواره که ظریف در مقاله هفته گذشته خود در فایننشال تایمز نیز به تشریح آنها پرداخت، عبارتند از «منطقه قوی» و «امنیت شبکه‌ای». پیش‌تر ظریف این دو ایده را در چارچوب طرحی شبیه «توافق هلسنکی» در منطقه بیان می‌داشت. این تغییر ادبیات و استفاده از عبارات جدید در بیان یک مفهوم در واقع نشان از نزدیکی و هماهنگی بیش از پیش وزارت امور خارجه و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری دارد.

ظریف در تشریح ایده منطقه قوی، تلاش برای ایجاد منطقه قوی به جای برتری جویی و حذف دیگر کنشگران را برگرفته از نگاه راهبردی جمهوری اسلامی ایران به منطقه پیرامونی خود دانسته و آن را به معنی پذیرش اصل تامین منافع جمعی در منطقه خلیج فارس و تلمین قاعده برد-برد در سطح این منطقه تعریف می‌کند. قاعده برد- برد قاعده‌ای که پیش‌ترها در طول مذاکرات هسته‌ای نیز زیاد آن را می‌شنیدیم و امروز برجام و نتایج آن، حاصل همین تفکر و قاعده است!

ظریف همچنین درباره امنیت شبکه‌های چنین توضیح می‌دهد: امنیت شبکه‌ای بر مبنای هم‌افزایی و فرآگیری با مشارکت همه کشورهای کوچک و بزرگ منطقه بر مبنای اصول و اهداف منشور ملل متحد شامل اصل برابری کشورها، اصل عدم توسل به زور، اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات، اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها، اصل عدم مداخله در امور یکدیگر و احترام به تعیین سرنوشت هر کشور توسط آحاد همان ملت است؛ اصل‌هایی که برای آنهایی که اخبار این روزهای منطقه و جهان را دنبال می‌کنند بیشتر به نوعی طنز شبیه است تا اصول سازمان ملل!

ظریف بیان می‌دارد امنیت شبکه‌ای به معنای کنار رفتن اختلاف نظر یا فراموش کردن مشکلات تاریخی نیست، بلکه صرفا روشی برای مدیریت آنها و جلوگیری از تشدید خصومت‌ها و ائتلاف‌های

سلام وطن  
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی  
@vatanemrooz

پیامک خوانندگان  
۱۰۰۰۲۲۳۱